

پنجاه و سه نفر

بزرگ علوی



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

mikhanam

۱. علوی، بزرگه، ۱۳۸۳-۱۳۷۵.

پنج‌راه‌نشد نفر / بزرگ علوی.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۵، ۳۳۸ ص.

ISBN: 978-964-351-068-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. علوی، بزرگه، ۱۳۸۳-۱۳۷۵. خاطرات. ۲. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷.

۳. حزب توده ایران. القه، عنوان

۹ پ ۷ / ۱۵۲۸ DSR ۹۲ / ۰۸۲۴ / ۹۵۵

کتابخانه ملی ایران ۱۳۸۲-۸۵م

محل نگهداری:

پنجاه و سه نفر

بزرگ علوی

چاپ دهم: اردیبهشت ۱۴۰۱، طرح رزی جلد: بهزاد خورشیدی

لیتوگرافی: اطلس چاپ، چاپ: ارس، شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۳۵۱۰-۰۶۸-۸

حق چاپ محفوظ است.

مؤسسه انتشارات نگاه

«تاسیس ۱۳۵۲»

آدرس: خ. انقلاب، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، خ. شهدای زاندرمزی، پ ۶۳ طبقه ۵


تلفن: ۱۲-۶۶۱۷۵۷۱۱، ۶۶۲۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خ. کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۴۰

تلفن: ۸۸۴۹۰۱۹۵ - ۸۸۴۹۰۱۳۸

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpub1@gmail.com

 [instagram.com/negahpub](https://www.instagram.com/negahpub)

 [telegram.me/newsnegahpub](https://t.me/newsnegahpub)

فهرست

۷	مقدمه
۱۰	دستگیری من
۱۷	اداره سیاسی
۲۷	شب اول زندان
۳۵	استطاق
۴۳	شکنجه‌های روحی
۵۱	حاکم زندان
۵۸	بیکاری
۶۵	سیاست زندان
۷۰	زندانی ایرانی
۷۶	یک شب مرگ
۸۳	مقاومت دسته جمعی
۹۲	مأمور زندان
۹۸	پنجاه و دو نفر یا پنجاه و چهار نفر
۱۰۵	زندگانی ما در فلکه

۱۱۲	زندان قصر
۱۲۰	استنطاق
۱۲۶	خاتواده‌های ما
۱۳۲	صد مرد چو شیر
۱۶۱	روزنامه
۱۷۵	کتاب
۱۹۰	مداد و کاغذ
۲۰۱	مقدمه محاکمه
۲۱۱	محاکمه پنجاه و سه نفر
۲۵۵	گناه پنجاه و سه نفر
۲۶۶	عفو عمومی
۲۷۷	مرگ دکتر ارانی
۲۸۲	ده نفر را دزدیدند
۲۹۸	دستگاه فاسد
۳۰۴	شهریور ۱۳۲۰
۳۱۵	بیست و پنجم شهریور

مقدمه

وقتی که «ورق پاره‌های زندان» منتشر شد عده‌ای از خوانندگان من ناراضی بودند. شاید هم حق داشتند. خوانندگان بیشتر مطالبی راجع به زندان من خواستند. به طور کلی آنها می‌خواستند بدانند چگونه با محبوسین رفتار می‌شد چگونه آنها را زجر می‌دادند، چگونه آنها را می‌گرفتند، می‌کشتند و نابود می‌کردند. خوانندگان زندان من خواستند و من «ورق پاره» تقدیمشان کرده بودم. «ورق پاره» برای من معنای خاصی داشت. باید احتیاجی موجود باشد که انسان با وجود فشارهای طاقت‌فرسای میرغضب‌های دوره سیاه (که اگر کاغذ پاره‌ای نزد زندانی می‌یافتند، گزارش‌ها به مقامات عالی‌تر می‌دادند) ورق پاره پیدا می‌کرد و احساسات خود را روی آن سعی می‌کرد بیان کند. احتیاجات به بیان احساسات و این عوالم زندان را که مخصوص و یادگار ننگین دوره سیاه است، من «ورق پاره» نام نهادم.

در «پنجاه و سه نفر» از این حیث شاید خوانندگان راضی‌تر باشند. اما به طور یقین باز دسته‌ای ناراضی خواهند بود. عده‌ای می‌گفتند که چرا من میرغضب‌ها و دوستان‌هاینا را با نام و نشان اسم نبردیم. مردم می‌خواهند بدانند این شعرهای دوره جدید که به لباس شهرتانی و نقاشی و وزیر درآمده بودند، چه کسانی هستند، صرف نظر از اینکه در این اواخر روزنامه‌ها به حد کافی این اشخاص را شناسانده‌اند، اساساً ذکر اسامی این‌ها چه تأثیری دارد؟ فرض بکنیم اسم فلان طیبی که به دکتر ارانی بیمار مبتلا به

تیغوس فلوسی را که مادرش از خانه می آورد، نمی داد، حسن یا حسین بوده است. اسم این اشخاص از لحاظ سیاست روز مهم است، ولی من به کتاب خود بیشتر جنبه تاریخی می خواهم بدهم. به عقیده من این اشخاص تفصیری ندارند و اگر گناهی متوجه آنها می شد، ناچیز است اینها محصول اوضاع و احوالی هستند که مجموعاً دوره سیاه نامیده می شود.

مقصود من از نوشتن «پنجاه و سه نفر» تشریح این اوضاع و احوال است. من این وزیرها و این قضات و این افسران شهربانی را کوچکتر از آن می دانم که اوقات فراغت خود را با آنها مشغول کنم. اگر آن وزیری را که حکم محکومیت مرا صادر کرد، در اختیار من بگذارند و به من بگویند، یا او هرکاری که می خواهی بکن، من از نظر شخص خودم، نه از لحاظ اجتماعی، به رویش می خندم و به او می گویم ابرو آدم شوه من شخصاً کینه ای از او در دل ندارم.

امامن در «پنجاه و سه نفر» گفته دکتر ارانی را در محکمه ۵۳ نفر شعار خود فرار داده ام. دکتر معتقد است که سه سند مهم عبارت از پرونده های ۵۳ نفر و مدافعات آنها و رای محکمه در دست است. اگر محکمه رأی به محکومیت این ۵۳ نفر داد، آن وقت در آینده مردمی که در اوضاع اجتماعی این دوره سیاه مطالعه می کنند و از تاریخ درس می گیرند، از خود می پرسند: چه طیب و قاضی، پسران بازرگانان متعول و مالکین درجه اول از منافع طبقاتی خود دست برداشته و کمونیست شده بودند. اگر محکمه رأی به برائت ۵۳ نفر داد، باز هم از خود می پرسند، چه اوضاع و احوالی در دوره سیاه در این مملکت حکمفرما بود که عده ای بی گناه را شهربانی با علم و اطلاع دولت و دستگاه قضائی یک سال و نیم زندانی کرده بود. «فضاء» هرکاری که بکنند بیج و مهره این اجتماع از روی سه سند مهم کشف می شود.»

مقصود من از «پنجاه و سه نفر» همین است. من می خواهم بیج و مهره اجتماع

دوره سیاه را به طور بارز به خوانندگان خود نشان دهم. محاکمه پنجاه و سه نفر با این وضع افشاح آور که یکی از آثار ننگین تاریخ ایران به شمار می‌رود، محصول اوضاع و احوال است که دوره سیاه را پدید آورده بودند: در محاکمه ۵۳ نفر و در گرفتاری و آزادی آنها تمام طبقات اجتماع ایران شریک بودند، بنابراین اگر من موفق شوم که حادثه ۵۳ نفر را به طوری که در حقیقت بوده، و وقایعی را که اطراف آن رخ داده، چنانکه شاید و باید، شرح دهم، گمان می‌کنم نوانستهام اوضاع اجتماع ایران را در این بیست ساله اخیر تشریح کنم.

Digitized by www.scribd.com